

## مروری بر مقوله جنسیت و استفاده از پتانسل آن در ایجاد فضای سبز شهری (مطالعه موردی پارک شهر بازی بجنورد)

نورعلی مهماندوست<sup>۱</sup>، حسن اصولی<sup>۲\*</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری تولید گیاهان دارویی و ادویه و معطر دانشگاه آزاد شیروان و مدیر روابط عمومی دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی  
<sup>۲</sup> کارشناس فضای سبز شهرداری بجنورد

### چکیده

"جنسیت" به عنوان یک مقوله اجتماعی و هم ساخته و متأثر از فرهنگ حاکم بر جامعه، با واژه "جنس" که عموماً برای بیان همان مقوله فقط از دیدگاه زیست شناختی بکار می‌رود متفاوت است، با این وجود که زنان بیش از نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند اما اغلب در طراحی و ساخت محیط و فضاهای سبز شهری کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند و به میزان کمتری در طراحی‌های شهری مورد مشورت واقع می‌شوند، این در حالی است که مردان الگوهای حرکتی و طراحی شهری را عهده دار هستند. از طرف دیگر زندگی زنان از ترکیب پیچیده از خانه داری، بچه داری و اشتغال و... برخوردار هستند و فضا موجود تا حدودی نا موفق بوده یا ناکارآمد است که زنان در محیط‌های طراحی شده، لذا زنان ضمن محدودیت‌ها، ناسازگاری‌ها را تجربه می‌کنند. این مقاله در بررسی ارتباط موجود بین جنسیت و فضا، مشکلی تحت عنوان "جنسیتی شدن فضا" را با تمرکز بر فضای پارک به عنوان فضای عمومی مطرح نموده، سپس به تبیین دلایل وقوع مشکل مذکور راهکارهای اجتناب از آن می‌پردازد. نتایج مشخص نمود پدیده جنسیتی شدن فضای عمومی دلیلی بر افت کیفیت و مطلوبیت فضا همچنین نمایانگر ناکارآمدی آن و تبدیل یک فضای عام به یک فضای خاص است. روش تحقیق بکار گرفته شده روش کیفی و در بخشی از پژوهش روش پیمایشی بوده، برای تشخیص مشکل از روش بالینی منتصب به آکوف استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: زنان، معماری، کیفیت فضا، پارک شهر بازی

## ۱- مقدمه

جنسیت مشمول رفتارها، کنش‌ها و اندیشه‌های اجتماعی است که فرهنگ حاکم در هر جامعه به عهده دو جنس زن و مرد می‌گذارد. در ارتباط با نقش‌های جنسیتی، افکار قالبی در مورد هر دو جنس در جامعه مشاهده می‌شود که دامنه انتظارات را از هر دو جنس طرح ریخته و تعیین می‌کند (نرسیسیاس، ۱۳۸۳) از این رو جنسیت به عنوان یک عامل اجتماعی و متأثر از فرهنگ مطرح می‌گردد، لذا تفاوت‌های جنسیتی ثابت نبوده و در فرهنگ‌های مختلف و همچنین در طول زمان تغییر پذیر است (نرسیسیاس، ۱۳۸۳).

از دهه ۸۰ میلادی - همانند سایر علوم - لزوم پرداختن به رابطه بین جنسیت و معماری مطرح شد و به سال (۱۳۹۲) در خلال موج سوم جنبش برابری طلبی زنان، کتاب جنسیت و فضا چاپ گردید (کولومینیا<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲).

موضوع جنسیت و فضا، معماری مبحثی پیچیده است و در حال حاضر کسانی که در معماری به مقوله جنسیت توجه دارند از پیروان جنبش برابری طلبی زنان در سایر زمینه‌ها الهام می‌گیرند؛ زیرا مطالعات پایه در رابطه با موضوع جنسیت متعلق به این گروه بوده و اشاره به مطالعات آنان اجتناب ناپذیر است؛ اما بر اساس تعریف جنسیت و توجه به این مهم که رفتارها و نقش‌های جنسیتی در فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر تفاوت دارند؛ برای بررسی رابطه بین جنسیت و معماری الزامی به داشتن گرایش و دیدگاه‌های غیر نیست؛ بدین معنی که هر جامعه برای بررسی و حل مسائل و مشکلات، پاسخی بومی دارد که باید در قالب فضای فرهنگی و اعتقادی خود به آن پرداخته و مورد قضاوت قرار گیرد (کاظمی، ۱۳۸۶).

این مقاله بدور از هرگونه قضاوت، به بررسی رابطه بین جنسیت و فضا -محصول معماری - با تمرکز بر پدیده "جنسیتی شدن فضا" می‌پردازد. فضای مورد نظر در این تحقیق، فضای عمومی است زیرا فضاهای عمومی برای استفاده هر دو گروه زنان و مردان در نظر گرفته شده و هیچ پیش فرض جنسیتی شدن بر آنها متصور نیست؛ اما گاهی بدلالی نظیر عدم انطباق وضع موجود فضاهای عمومی با نیازهای خاص بخشی از استفاده کنندگان فضا (زنان/مردان) و یا وجود محدودیت و ناسازگاری در محیط، حضور بخشی از استفاده کنندگان در این فضاها کمرنگ شده و در پاره‌ای از موارد از حضور در بعضی از اینها فضاها اجتناب می‌کنند. در بین فضاهای عمومی شهری از جمله مراکز تجاری، تفریحی، فرهنگی، پارکینگ‌های عمومی، ترمینال‌ها، پارک‌ها و فرودگاهها، پارک‌های عمومی به لحاظ ابعاد اقتصادی، نحوه خدمات رسانی و سهولت بهره مندی دارای بیشترین و گسترده ترین استفاده کنندگان هستند به همین دلیل بهترین گزینه از بین فضاهای عمومی به عنوان نمونه مورد مطالعه برای سنجش کیفیت موجود و جستجوی راهکارهای مناسب برای ارتقاء کیفیت آتی فضاهای شهری قابل بررسی می‌باشد (کاظمی، ۱۳۸۶).

## ۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر در بجنورد و با تاکید بر پارک شهر بازی واقع در شمال شرقی بجنورد به عنوان نمونه‌ای از فضای عمومی جنسیتی شده انجام یافته است. اهداف مورد نظر از انجام تحقیق، شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر فرآیند جنسیتی شدن فضا و همچنین تبیین وجود رابطه بین جنسیت و کارایی فضا می‌باشد. این مقاله بعد از بیان رابطه بین جنسیت و فضا و همچنین روش‌های جنسیتی شدن فضا، فرضیه‌ای را مطرح نموده و به روش پیمایشی به آزمون فرضیه می‌پردازد که روش تحقیق در مبحث آزمون فرضیه بطور کامل بیان گردیده است. نتایج حاصل ضمن اثبات فرضیه، امکان ارائه راهکارهایی را فراهم می‌نماید که در جهت بهبود کیفیت فضا -از نظر جامعه هدف - و همچنین حفظ این کیفیت در مدت زمان بهره برداری آتی فضا مؤثر می‌باشند.

<sup>1</sup> - Colomnin

## جنسیت و فضا

در بررسی رابطه بین جنسیت و فضا با پدیده‌ای تحت عنوان فضاهای جنسی شده و فضاهای جنسیتی شده برخورد نموده و این سوالها مطرح می‌شوند که آیا فضا جنسی است؟ آیا فضا جنسیتی است؟ اگر چنین است جنسیتی شدن آن چگونه صورت می‌گیرد؟ در پاسخ سؤال‌های فوق می‌توان گفت؛ مکانهای خاص ممکن است براساس جنس زیست شناختی افرادی که آنها را اشغال می‌کنند خصوصیات جنسی داده شوند یا براساس جنسیت فعالیت‌های مختلف که در آنها انجام می‌شود جنسیت داده شوند. بعنوان مثال توالت‌ها، جنسی شده - مؤنث یا مذکر - هستند چرا که توسط مردان و زنان مورد استفاده قرار می‌گیرند در حالی که یک آشپزخانه خانگی بصورت زنانه جنسیت داده می‌شود زیرا آشپزی بطور اجتماعی امری است که به خانم‌ها مربوط می‌شود (رندل،<sup>۱</sup> ۲۰۰۰).

نافذترین و فراگیرنده‌ترین نمایش فضای جنسیتی " حوزه‌های مجزا" (عمومی/خصوصی) است. به اعتقاد طرفداران جنبش برابری طلبی زنان؛ اساس این طرز رفتار، که شهر را از خانه، عمومی را از خصوصی، تولید را از بازتولید و مردان را از زنان جدا می‌کند، سرمایه داری و مردسالاری است. اهمیت موضوع به این دلیل است که تصور مربوط به جنس، جنسیت و فضا که داخل این سلسله مراتب دوگانه وجود دارد، بطور مداوم بازتولید شده و ادامه می‌یابد.

آنچه در بحث حوزه‌های مجزا (عمومی/خصوصی) به عنوان نکته اساسی قابل تأمل است نتیجه و پیامد حاصل از آن است که به نگرشی خاص منجر شده و بر اساس آن حضور زنان در فضای عمومی بار معنایی منفی می‌یابد (کاظمی، ۱۳۸۶). نمونه‌هایی از فضاهای جنسیتی شده را در معماری سنتی ایران نیز می‌توان یافت؛ مانند فضای حرمسراها که فضای جنسیتی شده زنانه بودند. یا فضاهایی که بصورت بالکن در طرفین تالار یا شاه نشین طراحی می‌شدند و محلی برای استقرار زنان جهت تماشای مراسم بود که در تالار اجرا می‌شد، مانند آنچه در خانه بروجردی‌های کاشان و خانه قدکی تبریز وجود دارد. این امر بیانگر توجه معمار سنتی به لزوم تفکیک فضایی براساس فرهنگ حاکم بر جامعه و طراحی متناسب با آن است. تفکیک فضایی بین جنس‌ها، یعنی جنسی کردن فضا، گاه امری منطقی است؛ بخصوص در جوامعی که تفکیک بین زنان و مردان در اکثر شئون رعایت می‌شود. حتی جنسیتی شدن فضا بر اساس فرهنگ حاکم بر جوامع امری دور از ذهن نیست. از این رو جنسیتی شدن یک فضا زمانی بعنوان مشکل مطرح می‌شود که بنا به دلایلی یکی ازدوجنس (زن/ مرد) مجبور به ترک یک فضای عمومی شده و از حق بهره برداری از آن فضا محروم شوند در حالیکه امکان بهره مندی مطلوب از فضاهای شهری و عمومی از حقوق اولیه شهروندی محسوب می‌شود (کاظمی، ۱۳۸۶).

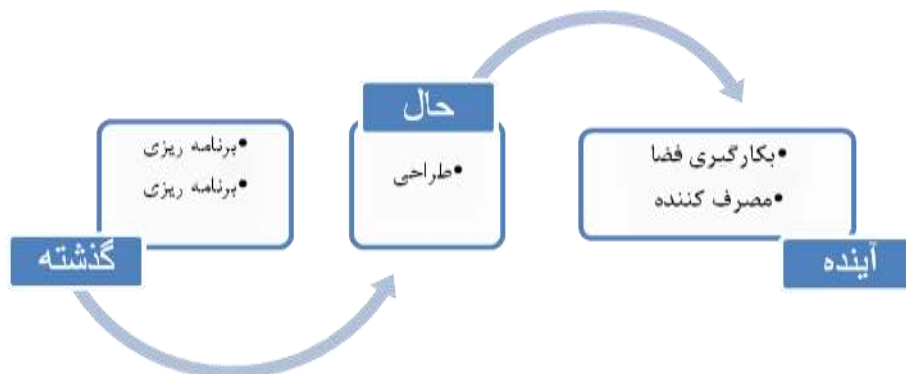
به بیان ساده در جامعه سنتی بخشی از استفاده کنندگان فضا (زنان) به صورت محدود و تعریف شده در فضاهای عمومی حضور می‌یافتند، اما با تبدیل جامعه سنتی به مدرن حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی پررنگ شده اما فضاهای عمومی متناسب با این افزایش حضور طراحی نشده‌اند و زنان بطور مکرر در بهره برداری از فضاها و اماکن عمومی محدودیت‌ها و ناسازگاری‌هایی را تجربه می‌نمایند. دلیل اشاره به زنان بعنوان بخشی از استفاده کنندگان فضاهای عمومی از آنجاست که انتظارات فرهنگ حاکم بر جامعه و همچنین خصوصیات زنانگی، زنان را بسوی هنجار پذیری سوق می‌دهد و به جهت سازش با محیط، مجبور به تغییر دادن خود به نفع محیط می‌شوند، به این مفهوم که از نیازها و انتظاراتی که از محیط دارند صرف نظر کرده و یا از محیط خارج می‌شوند (کاظمی، ۱۳۸۶).

این امر با توجه به تحقیقات انجام یافته و مشاهده تجربیات روزانه زندگی - در فضاهای عمومی - برای تمام زنان قابل لمس است. با خروج زنان از یک محیط عمومی فضای موجود ماهیت جنسی بخود می‌گیرد و به جهت افزایش حضور مردها در این فضای جنسی شده، رفته رفته فعالیت‌هایی با ماهیت جنسیتی مردانه - اعم از فعالیت‌هایی با ماهیت مثبت یا منفی - در این فضا افزایش یافته و فضای عمومی اولیه به یک فضای جنسیتی شده تبدیل می‌شود. اکنون سؤال مهمی ایجاد می‌شود: اینکه عوامل مؤثر در فرآیند جنسیتی شدن فضا کدامند و این فرآیند چگونه صورت می‌پذیرد؟ (پاکزاد، ۱۳۸۵).

<sup>1</sup> - Rendell

## روش‌های جنسیتی شدن فضا

اگر فرآیند طراحی و خلق فضا را به سه مرحله برنامه ریزی و سیاست گذاری کلان جامعه، طراحی و بکارگیری فضا تقسیم نماییم وقوع هر یک از مراحل را در محور زمان می‌توان بصورت تصویرذیل نمایش داد.



شکل ۱: روش‌های جنسیتی شدن فضا

بدین ترتیب برنامه ریزی به منابع حادث شده در گذشته، بکارگیری و استفاده از فضا متعلق به محصول ارائه شده در آینده بوده و مرحله طراحی به زمان حال تعلق خواهد داشت که همپوشانی گذشته و آینده است. بدین معنی که طراحی فضا چیزی است که از گذشته شروع شده و تا آینده ادامه دارد؛ مانند طرحهایی که قبلاً شروع شده و در آینده تکمیل خواهد شد. با پذیرش این مطلب که فضا براساس نوع فعالیت‌هایی که در آن انجام می‌گیرد جنسیتی می‌شود و این فعالیت‌ها منتج از نقش‌های جنسیتی هر یک از دو جنس زن و مرد است، همچنین قبول این که نقش‌های جنسیتی براساس فرهنگ حاکم بر جامعه تعیین می‌شوند؛ با فرض بستر فرهنگی ثابت، می‌توان بیان نمود که فضا به یکی از سه طریق زیر می‌تواند جنسیتی شود:

- از طریق سیاست گذاری و برنامه ریزی کلان جامعه
- براساس کارهای عمدی یا غیر عمدی طی فرآیند طراحی
- براساس نحوه اشغال و بکارگیری فضا بعد از خلق آن.

## سیاست گذاری و برنامه ریزیهای کلان جامعه

در هر جامعه با توجه به ایدئولوژی برگرفته از جهان بینی و همچنین باتوجه به مقتضیات و در راستای هدایت جامعه بسوی اهداف غایی متصور برای آن، برنامه ریزی و سیاستگذاری‌هایی در سطح کلان انجام می‌شود که سایر فعالیت‌ها و برنامه ریزی‌ها از جمله سیاستگذاری برای ایجاد فضاهای جنسیتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به این معنی که ابتدا لزوم ایجاد فضاهای جنسیتی در برنامه ریزی‌های کلان مطرح می‌شود و در ادامه سایر مواردی که در تولید فضا نقش دارد - از جمله تدوین ضوابط و معیارها- متأثر از این محور اساسی شکل می‌گیرند. جهت ارائه مثالی از سیاست گذاری و برنامه ریزی کلان جامعه می‌توان به برنامه ریزی که جهت توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان سند چشم انداز بیست ساله انجام شده و طی چهار برنامه پنج ساله در حال اجرا است اشاره نمود. قانون برنامه چهارم توسعه به عنوان سیاستگذاری و برنامه ریزی کلان جامعه منظور نظر می‌باشد (قانون برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۵).

بر اساس ماده ۳۰ فصل اول - بسترسازی برای رشد سریع اقتصادی - این قانون، دولت موظف است به منظور هویت بخشی به سیمای شهر و روستا، استحکام بخشی ساخت و سازها، دستیابی به توسعه پایدار و بهبود محیط زندگی در شهرها و روستاها، اقدام‌هایی را در بخش‌های عمران شهری و روستایی و مسکن به عمل آورد (قانون برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۵).

یکی از روش‌های نیل به اهداف فوق‌ارتقای کیفیت زندگی زنان در شهرها - به عنوان گروهی از استفاده‌کنندگان فضا که بیش از نیمی از جمعیت را شامل می‌شوند - و توجه به نیازهای آنان در بهره‌برداری از فضاهای شهری و برخورداری از امکانات خدماتی در سطح شهرها است. به این معنی که سیاست شهری، ساختار شهرها و مطالعات شهری نیازها و اولویتهای زنان را به حاشیه‌نرانده و از آنها چشم‌پوشی نماید. در این صورت فضاهای ایجادشده از مطلوبیت و کارایی بالایی برخوردار بوده و زنان بعنوان بخشی از استفاده‌کنندگان فضا با رضایت در آنها حضور یافته و مجبور به ترک فضا نخواهند شد. مطالعه قانون برنامه چهارم توسعه با دقت در مورد موضوع جنسیت مشخص می‌کند؛ صرف نظر از مواردی که به رفع تبعیض جنسیتی، ایجاد فرصتهای برابر برای زنان و مردان، تلاش برای افزایش مشارکت زنان در توسعه و افزایش باورها نسبت به شایستگی زنان اشاره شده در خصوص نیاز به ایجاد فضاهایی جنسیتی اشاره‌ای نشده است (قانون برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۵).

### فرآیند طراحی

براساس الگوی ارائه شده یکی از عوامل مؤثر در جنسیتی شدن فضا متعلق به فرآیند طراحی فضا است. در این راستا به الگوی فرآیند طراحی ارائه شده توسط برایان لاسان به عنوان الگویی که به تبیین جایگاه هریک از عوامل مؤثر در مسئله طراحی می‌پردازد استناد می‌شود. براساس الگوی لاسان مولدهای مسئله طراحی به چارگروه قانون‌گذاران، کارفرمایان، طراحان و استفاده‌کنندگان تقسیم می‌شوند (لاسان<sup>۱</sup>، ۱۹۸۰). جایگاه معمار (طراح) در این فرآیند از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا نه تنها به عنوان حلقه‌اتصال بین کارفرما و قانون‌گذار از یک سو و استفاده‌کننده از سوی دیگر مطرح است، بلکه ماحصل فرآیند (طرح) در نهایت توسط وی تحقق می‌یابد از این رو معمار (طراح) در فرآیند جنسیتی شدن فضا یکی از تاثیرگذارترین عوامل خواهد بود. با توجه به این مطلب سوالی مطرح می‌گردد؛ آیا ترک فضا توسط بخشی از استفاده‌کنندگان فضا می‌تواند به دلیل عدم مطلوبیت و افت کارایی فضای طراحی شده از ناحیه معمار باشد؟

### ۳- فرضیه پژوهش

به این ترتیب در راستای پاسخ به سؤال فوق فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه "کم توجهی به موضوع جنسیت در طراحی فضاهای عمومی افت کارایی و مطلوبیت فضا را به همراه داشته و موجب ترک اجباری بخشی از استفاده‌کنندگان فضا می‌شود" شکل می‌گیرد. بطوریکه این روند در نهایت منجر به جنسیتی شدن فضا می‌گردد. به جهت اهمیت مرحله فرآیند طراحی و مجال محدود مقاله، جایگاه هریک از مولدهای مسئله طراحی براساس الگوی فرآیند طراحی لاسان و همچنین نحوه تاثیرگذاری هریک در فرآیند جنسیتی شدن فضا در جمع‌بندی ارائه شده و ادامه بحث را با تمرکز بر جایگاه معمار (طراح) و تاکید بر ارتباط وی با استفاده‌کننده فضا دنبال می‌گردد (کاظمی، ۱۳۸۶).

در تقسیم‌بندی لاسان طراحان (معماران) یکی از مولدهای مسئله طراحی می‌باشند. از طراحان نیز مانند هنرمندان انتظار می‌رود فقط به حل مسئله نپردازند، بلکه نکات و علایق باطنی خود را نیز در فرآیند کار وارد کنند؛ با این تفاوت که طراح معمولاً با محدودیت بیشتری نسبت به هنرمند روبرو است. محصول فرآیند طراحی نتیجه کار طراح یا معمار است. وی باید به سفارش کارفرما و توجه به خواسته‌ها و نیازهای او، رعایت حد مجاز ارضای علایق هنری خویش که تابعی از ماهیت مسئله طراحی و ارتباط طراح با کارفرما است و همچنین رعایت قوانین و ضوابط ارائه شده از سوی قانون‌گذار به امر طراحی بپردازد (لاسان، ۱۹۸۰). با فرض اینکه جنسیتی شدن یک فضا در سیاستگذاری کلان و به تبعیت از آن در قوانین وضع شده توسط قانون‌گذار مطرح نشده باشد، طراحان در موقعیت خود به یکی از دو روش زیر می‌توانند در ایجاد فضای جنسیتی مؤثر باشند:

۱- براساس آموخته‌های خود از نظریه و طراحی معماری؛ و

۲- براساس شکاف موجود بین طراح (معمار) و استفاده‌کننده فضا.

<sup>1</sup> Lasan

روش اول برپایه آنچه که ماهیت جنسیتی شده نظریه معماری نامیده می‌شود؛ به وقوع می‌پیوندد. این مسئله یکی از موضوعهای مورد بحث در رابطه جنبش برابری طلبی زنان و معماری است که دیانا آگREST با رویکردی انتقادی به این موضوع پرداخته و استدلال می‌کند نظریه معماری با حذف کردن یا سرکوب کردن زن و جسم او از معماری، جنسیتی شد است و اثبات می‌کند سیستم معماری غرب از زمان ویتروویوس از چنین منطقی برخوردار بوده است (آگREST<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳). در مورد روش دوم، طراح (معمار) دسترسی مستقیم به کسانی که برای آنها طراحی می‌کند ندارد. به جهت شکاف موجود بین دسترسی به استفاده کننده واقعی طرح - فضا برای استنتاج و آن دو که (زایسل<sup>۲</sup>، ۱۹۸۴) نیز به آن اشاره نموده است. خواسته‌های وی فراهم نشده و طراحی بدون حضور بهره بردار فضا انجام می‌شود، در نتیجه فضا قادر به پاسخگویی مناسب به نیازهای استفاده کنندگان نبوده و محدودیت‌ها و ناسازگاری‌های موجود باعث افت کارایی فضا می‌گردد.

### آزمون فرضیه

برای آزمون فرضیه از بین فضاهای عمومی، فضای پارک به عنوان نمونه مورد مطالعه و از بین استفاده کنندگان فضا گروه زنان به عنوان جامعه هدف انتخاب شد. قبل از پرداختن به آزمون فرضیه لازم است درخصوص کارایی فضا به مطالبی که اساس آزمون را تشکیل داده اشاره شود. میزان کارایی فضا یکی از معیارهای کیفی سنجش فضا است، به این ترتیب که انسان پاسخ نیازهای خود را در فضا جستجو می‌کند و برای هر نیاز خاص، ذهن انسان توقع فضایی خاصی را می‌طلبد که بتواند بهترین بستر را برای رفع نیازهای وی فراهم کند. نحوه پاسخ گرفتن از فضا و میزان رضایت شخص از محیط در رفتار و واکنش وی نسبت به محیط بروز می‌نماید. در حقیقت رابطه نزدیک و متقابل بین فضا و رفتار وجود دارد (مرتضوی، ۱۳۸۰). هر شخص به محض حضور در یک فضا به بررسی و ارزیابی محیط می‌پردازد. زمانی که محیط شرایط مناسب‌تری را فراهم می‌کند و شخص می‌تواند با زحمت کمتری به هدف خود برسد احساس گیرایی و مطلوبیت کرده و تمایل دارد مدت طولانی‌تری در آن محیط توقف نماید.

دستیابی و استفاده از محیطی مطلوب و با کیفیت توقعی است که هر فرد از فضا دارد. مطلوبیت فضا از نظر بیننده (استفاده کننده) ارتباط مستقیمی با برآورده شدن توقعات وی دارد. اگر فضایی قادر به پاسخگویی مناسب برای نیازهای خاص استفاده کنندگان و یا بخشی از آنان نباشد، فضای کارآمدی محسوب نمی‌شود، به این معنی که از کیفیت مناسبی برخوردار نیست، اگرچه از نظر کمیت و ماهیت اشکالی نداشته باشد (پاکزاد، ۱۳۸۵). نظر به اینکه مطالعات جامع و مکتوبی در مورد نیازهای روانی و رفتاری زنان استخراج عوامل مؤثر در مطلوبیت و نامطلوبیت فضا - فضای پارک در فضاهای عمومی و پارک‌ها وجود نداشت (گراید<sup>۳</sup>، ۱۹۹۴). از خود گروه هدف به روش پیمایشی ضرورت یافت تا معیارهایی برای آزمون فرضیه در نمونه مورد مطالعه - پارک شهر بازی بجنورد بدست آید. بدین منظور پرسشنامه مناسب تهیه و به گردآوری اطلاعات بصورت میدانی و انجام مصاحبه با بانوان بالای ۱۲ سال در محل پارک‌های نمونه اقدام گردید. این بخش از تحقیق از نظر زمانی بررسی مقطعی و از نظر وسعت بررسی پهنانگر است. به منظور تعیین روایی سؤالهای پرسشنامه از روش تحلیل روایی محتوایی و به منظور تعیین پایایی سؤالاها از روش ضریب آلفای کرونباخ<sup>۴</sup> استفاده شده است.

### ۴- بحث و نتیجه‌گیری

اهم یافته‌های حاصل از بررسی میدانی که عبارتند از سهولت دسترسی به پارک، ایجاد حس تسلط فضائی، تفکیک فضائی قلمروها در پارک‌های شهری با هدف جلوگیری از جنسیتی شدن فضای پارک که مستقیماً با مکان یابی و طراحی پارک در

<sup>1</sup> - Agrest

<sup>2</sup> - Zeisel

<sup>3</sup> - Greed

<sup>4</sup> - Cronbach's alpha

ارتباط هستند را می‌توان بیان نمود. از بین موارد فوق مورد اول و دوم بصورت توأم به سمت ترویج احداث پارک‌های محله‌ای هدایت می‌کنند. طبق بررسی بعمل آمده جایگاه سیاستگذار با توجه به استمرار حضور در دوره بهره برداری از نظر شکلی فاقد کاستی بوده و چنانچه در چارچوب برنامه‌های دراز مدت گام برداشته شود عملکرد در راستای توسعه مناسب خواهد بود. همچنین با توجه به شرح خدمات مصوب برای کارهای شهرسازی در حوزه تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی و لزوم بازنگری در دوره‌های حداکثر ۱۰ ساله طبق مصوبه شورایعالی معماری و شهرسازی ایران عملاً هرگونه بارگذاری و تغییرات کلان در حوزه شهری به توسط مشاورین شهرسازی، بدلیل اجازه حضور در دوره بهره برداری فضاهای شهری قابل کنترل خواهد بود، هر چند این کنترل صرفاً در خارج از حدود کاربری و حداکثر در قالب ضابطه کلی برای فضای عمومی تعریف می‌شود. از این میان همانطوری که از نتایج بر می‌آید تنها معمار در دوره پس از خلق فضا حضور ندارد و از آنجائی که طبق شرح خدمات مندرج در قسمت اول مرحله اول بخشنامه شماره ۴۴۲۹/۵۴/۹۸۳-۱-۷۰/۰۳/۲۶-۱ سازمان مدیریت و برنامه ریزی وقت آمده است، مشاور معماری صرفاً در خصوص برنامه‌های آتی فضای مورد طراحی، آن بخش را که کارفرما مشخصات و اطلاعات آن را داشته و به مشاور ارائه نماید در طرح خود لحاظ خواهد نمود. حال آنکه بخش قابل توجه و تأثیر گذاری از طرح‌های آتی مؤثر بر پارک و یا هر فضای شهری بدون برنامه قبلی و تحت فشار توسعه گر اتفاق می‌افتد.

با توجه به این مسئله اهمیت حضور مشاور معماری در دوره بهره برداری فضا، به جهت مقابله با بارگذاری‌های آتی پیشبینی نشده مشخص می‌گردد. تا بتواند تمهیدات لازم را در سازگار نمودن فضا در برابر تأثیر تغییرات آتی کالبدی، فرهنگی، اجتماعی و تصمیمات و دیدگاه‌های سیاستگذار توسعه گر ارائه و در کالبد فضا اعمال نماید. همچنین از آنجائی که فضای طراحی شده بر اساس مطالعات اولیه برنامه ریزی، طراحی و اجراء گردیده است، در صورت تغییرات مورد اشاره، از نظر عملکردی دچار اشکالاتی خواهد گردید که با افت کیفیت در مرحله نخست، رو به جنسیتی شدن رفته و نهایتاً به عدم بهره مندی بخش زیادی از استفاده کنندگان منجر خواهد گردید و به مرور به معضل جدیدی برای شهر و شهروندان تبدیل خواهد شد.

## منابع

۱. اسلامی، سید غلامرضا، (۱۳۸۴)، "پژوهش در حوزه هنر و علم: شباهت‌ها و تفاوت‌ها"، مقاله ارائه شده در هم اندیشی پژوهش هنر، پردیس.
۲. برتیوم، فرانسوا، آندره لامورد، (۱۳۷۵). "روش تحقیق در روانشناسی"، ترجمه دکتر حمزه گنجی، ویرایش.
۳. پاکزاد، جهانشاد (۱۳۸۵)، "مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری"، نشر شهیدی، چاپ اول.
۴. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸)، "کندوکاوها و پنداشتها، مقدمه‌های پژوهش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی"، نشر شرکت سهامی انتشار.
۵. قانون برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۵) سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
۶. کاظمی، مهوش (۱۳۸۶) "حوزه‌های مجزا" نماد فضاهای جنسیتی در معماری"، همایش زنان معمار ایرانی، تهران.
۷. کاظمی مهوش. رویکردی تحلیلی به مقوله جنسیت و تأثیر آن در کیفیت فضا. نشریه هویت شهر / سال سوم / شماره ۴ / بهار و تابستان ۸۸.
۸. کاظمی، مهوش. حبیب، فرح. اسلامی، سید غلامرضا. رویکردی تحلیلی به نیازهای روانی و رفتاری زنان و تأثیر آن در بهبود کیفیت فضا (نمونه مطالعه موردی فضای عمومی پارک)، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره شانزدهم، شماره ویژه ۹۳.
۹. کوبی، لیل. ایزدی، حسن. عبدالهی، رحمت اله. سلیمانی رقیه. حیات جمعی در فضای عمومی سبز راه، نگرشی بر تنوع فرهنگی اجتماعی استفاده از فضا؛ مطالعه موردی پارک خطی باغ بلند شیراز مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال سوم، شماره یازدهم، زمستان (۱۳۹۱)، ص ۹۷-۱۱۴.

۱۰. لاسان، برایان، (۱۳۸۴) "طراحان چگونه می‌اندیشند، ابهام زدایی از فرآیند طراحی"، ترجمه حمید ندیمی، مرکز چاپ و انتشارات

۱۱. مرتضوی، شهرناز (۱۳۸۰)، "روانشناسی محیط و کاربرد آن"، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۱۲. نرسیسیاس، امیلیا، (۱۳۸۳)، "مردم شناسی جنسیت"، نشرافکار، چاپ اول.

13. Agrest, Diana, (1993), "Architecture from Without: Theoretical Framings for A Critical Practice",

14. Colomna, Beatriz, (1992), "Sexuality and Space", New York: Princeton Architectural Press.

15. Cambridge, Mass.: MIT Press.

16. Dover; Leon Battista Alberti, Ten Books on Architecture (1485), London: Alex Tiranti, 1965.

17. Greed, Clara, (1994), "Women & Planning: Creating Gendered Differences", Routledge, London.

18. Rendell, Jane (2000), "Gender, Space, Architect", Introductory Essay: Gender, Space, London & New York; Routledge.

19. Zeisel, J. (1984), "Inquiry by Design", Cambridge University Press.



## A quick look at the gender issue and its potential for creating green space (Case Study of Bojnourd City Park)

Nourali Mehmandoust<sup>1</sup>, Hasan Osuli<sup>2\*</sup>

*1-Ph.D. student of medicinal plants and aromatic herbs in Shirvan Azad University and director of public relations of Farhangian University of North Khorasan*

*2- Expert on green space in Bojnourd Municipality*

---

### Abstract

Gender as a social category, as well as influenced by the dominant culture, varies by the term "gender", which is generally used to express the same category of biological content only, although women account for more than half of the population of society, But they are often neglected in the design and construction of the environment and urban green spaces, and they are less consulted on urban design, while men are responsible for urban patterns and design. On the other hand, women's lives have a complex combination of housekeeping, childcare and employment, and the available space is somewhat unsuccessful or inefficient, in which women are designed in environments, so women experience conflicts along with limitations. In this article, in examining the relationship between gender and space, the problem of "Sexualization of space" with focusing on the space of the park as a public space, then discusses the reasons for the problem, it addresses the ways of avoiding it. The results indicate that the phenomenon of genderizing the public space is a reason for the decline in the quality and desirability of space, also indicating its inefficiency and transforming a common space into a particular space. The research methodology used is a qualitative method and in part of the research a survey method has been used to identify the problem from the clinical method assigned to the ACOF.

**Keywords:** Women, Architecture, Quality of space, Park City

---